

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۲

آیه ۲۶۱

آیه و ترجمه

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة و الله یمضع لمن یشاء و الله وسع علیم

ترجمه :

۲۶۱ - کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند، که در هر خوشه، یکصد دانه باشد، و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند، و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست.

تفسیر :

آغاز آیات انفاق - انفاق مایه رشد آدمی است!

انفاق مایه رشد آدمی است! مساله انفاق یکی از مهمترین مسائلی است که اسلام روی آن تاکید دارد و قرآن مجید تاکید فراوان روی آن نموده است، که آیه فوق نخستین آیه از یک مجموعه آیات است که در سوره بقره پیرامون انفاق سخن می گوید و شاید ذکر آنها پشت سر آیات مربوط به معاد از این نظر باشد که یکی از مهمترین اسباب نجات در قیامت، انفاق و بخشش در راه خدا است. بعضی نیز گفته اند: این آیات پیوندی دارد با آیات جهاد، و انفاق در راه جهاد که قبل از آیات مربوط به معاد و توحید، در همین سوره آمده بود. نخست می فرماید: «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند بذری است که هفت خوشه برویاند» (مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل).

«و در هر خوشه ای یکصد دانه باشد که مجموعاً از یک دانه هفتصد دانه و

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۳

می خیزد (فی کل سنبله مائة حبة).

تازه پاداش آنها منحصر به این نیست، بلکه: خداوند آن را برای هر کس بخواهد

(و شایستگی در آنها و انفاق آنها را از نظر نیت و اخلاص و کیفیت و کمیت ببیند) دو یا چند برابر می کند (و الله یضاعف لمن یشاء). و این همه پاداش از سوی خدا عجیب نیست «چرا که او (از نظر رحمت و قدرت) وسیع و از همه چیز آگاه است» (و الله واسع علیم). بعضی از مفسران گفته اند: منظور از انفاق در آیه فوق تنها انفاق در راه جهاد است زیرا این آیه در واقع تأکیدی است بر آنچه در آیات گذشته قبل از داستان عزیر و ابراهیم و طالوت آمده بود، ولی حق این است که مفهوم آیه گسترده است و حتی پیوند آن با آیات گذشته نیز نمی تواند دلیل بر تخصیص این آیه و آیات آینده شود، زیرا فی سبیل الله مفهوم وسیعی دارد که هر مصرف نیکی را شامل می شود، به علاوه آیات آینده نشان می دهد که بحث انفاق در اینجا مستقلاً دنبال می شود و در روایات اسلامی نیز به تعمیم معنی آیه نیز اشاره شده است.

نکته قابل توجه اینکه در این آیه کسانی که در راه خدا انفاق می کنند به دانه پر برکتی که در زمین مستعدی افشانده شود تشبیه شده اند در حالی که قاعدتا باید عمل آنها تشبیه به این دانه شود، نه خود اینها، و لذا بسیاری از مفسران گفته اند که در آیه محذوفی وجود دارد مانند کلمه «صدقات» قبل از «الذین»، یا کلمه «بأذر» قبل از «حبة» و مانند آن. ولی هیچگونه دلیلی بر حذف و تقدیر در آیه نیست و تشبیه افراد انفاق کننده به دانه های پر برکت تشبیه جالب و عمیقی است گویا قرآن می خواهد بگوید: عمل

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۴

هر انسانی پرتوی از وجود او است، و هر قدر عمل گسترش یابد، وجود انسان در حقیقت توسعه یافته است. به تعبیر دیگر، قرآن عمل انسان را از وجود او جدا نمی داند و هر دو را اشکال مختلفی از یک حقیقت می شمرد، بنابراین هیچگونه حذف و تقدیری در آیه نیست و اشاره به این است که انسانهای نیکوکار در پرتو نیکی هایشان نمو و رشد معنوی پیدا می کنند و این افراد همچون بذرهایی پر ثمری هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می گیرد. کوتاه سخن اینکه: در مورد هر تشبیهی علاوه بر ادات تشبیه سه چیز لازم است، «مشبه» و «مشبه به» و «وجه تشبیه»، و در اینجا «مشبه»

انسان انفاق کننده است و «مشبه به» بذره‌های پربرکت، و وجه تشبیه نمو و رشد آن است، و ما معتقدیم که انسان انفاق کننده در پرتو عملش رشد فوق العاده معنوی و اجتماعی پیدا می‌کند، و نیازی به هیچگونه تقدیر نیست. شبیه این معنی در آیه ۲۶۵ همین سوره آمده است.

این نکته نیز در میان مفسران مورد بحث است که تعبیر به انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة که اشاره به دانه‌ای است که هفتصد دانه یابیشتر، از آن به دست می‌آید، یک تشبیه فرضی است که وجود خارجی ندارد (زیرا در مورد دانه‌های گندم هرگز از یک دانه هفتصد دانه برنخاسته است) و یا منظور دانه‌هایی همچون دانه‌های ارزن است، ولی جالب اینکه چند سال قبل که سال پر بارانی بود، در مطبوعات این خبرانتشار یافت که در بعضی از شهرهای جنوبی، در پاره‌ای از مزارع بوته‌های گندمی بسیار بلند و پر خوشه دیده شده، که در بعضی موارد در یک بوته، حدود چهار هزار دانه گندم شمارش شده است، و این خودمی‌رساند که تشبیه بالا، یک تشبیه کاملاً واقعی است نه خیالی.

جمله «یضاعف» از ماده «ضعف» (بر وزن شعر) به معنی دوبرابر یا چند

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۵

برابر است، و با توجه به آنچه در بالا اشاره شد که دانه‌هایی پیدا می‌شود که چند هزار دانه محصول می‌دهد، این تعبیر نیز یک تشبیه واقعی است.

نکته :

انفاق مهمترین طریق حل مشکل فاصله طبقاتی

یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی که همواره انسان دچار آن بوده و هم‌اکنون با تمام پیشرفتهای صنعتی و مادی که نصیب بشر شده نیز با آن مواجه است مشکل فاصله طبقاتی است به این معنی که فقر و بیچارگی و تهیدستی در یک طرف و تراکم اموال در طرف دیگر قرارگیرد.

عده‌های آنقدر ثروت بیندوزند که حساب اموالشان را نتوانند داشته‌باشند و عده دیگری از فقر و تهیدستی رنج برند، بطوریکه تهیه لوازم ضروری زندگی از قبیل غذا و مسکن و لباس ساده برای آنان ممکن نباشد. بدیهی است جامعهای که قسمتی از آن بر پایه غناء و ثروت و بخش مهم دیگر آن بر فقر و گرسنگی بنا شود قابل دوام نبوده.

و هرگز به سعادت واقعی نخواهد رسید. در چنین جامعهای دلهره واضطراب

و نگرانی و بدبینی و بالاخره دشمنی و جنگ اجتنابناپذیر است. گر چه در گذشته این اختلاف در جوامع انسانی بوده است ولی باید گفت متاسفانه در زمان ما این فاصله طبقاتی به مراتب بیشتر و خطرناک تر شده است. زیرا از یک سو، درهای کمکهای انسانی و تعاون به معنی حقیقی، به روی مردم بسته شده و رباخواری که یکی از موجبات بزرگ فاصله طبقاتی است با شکل‌های مختلف به روی آنها باز است. پیدایش کمونیسم و مانند آن و خونریزیها و جنگهای کوچک و بزرگ و وحشتناک که در قرن اخیر اتفاق افتاد و هنوز هم در گوشه و کنار جهان ادامه دارد و غالباً از ریشه اقتصادی مایه می‌گیرد و عکس العمل محرومیت اکثریت جوامع انسانی است، گواه این حقیقت است.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۶

با این که دانشمندان و مکتبهای اقتصادی جهان به فکر چاره و حل این مشکل بزرگ اجتماعی بوده‌اند و هر کدام راهی را انتخاب کرده‌اند، کمونیسم از راه الغای مالکیت فردی، و سرمایهداری از راه گرفتن مالیاتهای سنگین و تشکیل مؤسسات عام المنفعه (که به تشریفات بیشتر شبیه است تا به حل فاصله طبقاتی) به گمان خود به مبارزه با آن برخاسته‌اند ولی حقیقت این است که هیچکدام نتوانسته‌اند گام مؤثری در این راه بر دارند زیرا حل این مشکل با روح مادیگری که بر جهان حکومت می‌کند ممکن نیست. با دقت در آیات قرآن مجید آشکار می‌شود که یکی از اهداف اسلام این است که اختلافات غیر عادلانه‌ای که در اثر بیعدالتیهای اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیدا می‌شود از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمیتوانند نیازمندیهای زندگیشان را بدون کمک دیگران رفع کنند بالابیاورد و حد اقل لوازم زندگی را داشته باشند، اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه وسیعی در نظر گرفته است - تحریم رباخواری بطور مطلق، و وجوب پرداخت مالیاتهای اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند آنها و تشویق به انفاق - وقف و قرض الحسنه و کمکهای مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می‌دهد، و از همه مهمتر زنده کردن روح ایمان و برادری انسانی در میان مسلمانان است.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۷

آیه ۲۶۲

آیه و ترجمه

الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا و لا اذی لهم
اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ۲۶۲

ترجمه :

۲۶۲ - کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمیگذارند و آزاری نمیبرسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است، و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند.

تفسیر :

چه انفاقی با ارزش است؟

در آیه قبل اهمیت انفاق در راه خدا به طور کلی بیان شد، ولی در آیه مورد بحث بعضی از شرائط آن ذکر می شود. (ضمناً از تعبیرات این آیه به خوبی استفاده می شود که تنها انفاق در جهاد، منظور نیست).

می فرماید: «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند سپس به دنبال انفاقی که کرده اند منت نمیگذارند و آزاری نمیبرسانند پاداش آنها، نزد پروردگارشان است» (الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم).

«علاوه بر این نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می شوند» (و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون).

از این آیه به خوبی استفاده می شود که انفاق در راه خدا در صورتی درپیشگاه پروردگار مورد قبول واقع می شود که به دنبال آن منت و چیزی که موجب

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۸

آزار و رنجش نیازمندان است نباشد.

بنابراین کسانی که در راه خداوند بذل مال می کنند ولی به دنبال آن منت نمیگذارند یا کاری که موجب آزار و رنجش است می کنند در حقیقت باین عمل ناپسند اجر و پاداش خود را از بین می برند.

آنچه در این آیه بیشتر جلب توجه می کند این است که قرآن در واقع سرمایه زندگی انسان را منحصر به سرمایه های مادی نمی داند، بلکه سرمایه های روانی و اجتماعی را نیز به حساب آورده است.

کسی که چیزی به دیگری می دهد و منتی بر او میگذارد و یا با آزار خود او را

شکسته دل می‌سازد، در حقیقت چیزی به او نداده است زیرا اگر سرمایه‌های به او داده سرمایه‌های هم از او گرفته است و چه بسا آن تحقیرها و شکستهای روحی به مراتب بیش از مالی باشد که به او بخشیده است. بنابراین اگر چنین اشخاصی اجر و پاداش نداشته باشند کاملاً طبیعی و عادلانه خواهد بود بلکه می‌توان گفت چنین افراد در بسیاری از موارد بدهکارند نه طلبکار زیرا آبروی انسان به مراتب برتر و بالاتر از ثروت و مال است.

نکته دیگر اینکه منت گذاردن و اذیت کردن در آیه با کلمه «ثم» که معمولاً برای فاصله بین دو حادثه (و به اصطلاح برای تراخی) است ذکر شده بنابراین معنی آیه چنین می‌شود کسانی که انفاق می‌کنند و بعدامنتی نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند پاداش آنها نزد پروردگار محفوظ است. و این خود می‌رساند که منظور قرآن تنها این نیست که پرداخت انفاق مؤدبانه و محترمانه و خالی از منت باشد بلکه در زمانهای بعد نیز نباید بایادآوری آن منتی بر گیرنده انفاق گذارده شود، و این نهایت دقت اسلام را در خدمات خالص انسانی می‌رساند.

باید توجه داشت که منت و آزاری که موجب عدم قبول انفاق می‌شود اختصاص به مستمندان ندارد بلکه در کارهای عمومی و اجتماعی از قبیل جهاد در

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۱۹

راه خدا و کارهای عام المنفعه که احتیاج به بذل مال دارد نیز رعایت این موضع لازم است.

جمله «لهم اجرهم عند ربهم» به انفاق کنندگان اطمینان می‌دهد که پاداششان نزد پروردگار محفوظ است تا با اطمینان خاطر در این راه گام بردارند زیرا چیزی که نزد خدا است نه خطر نابودی دارد و نه نقصان، بلکه تعبیر «ربهم» (پروردگارشان) ممکن است اشاره به این باشد که خداوند آنها را پرورش می‌دهد و بر آن می‌افزاید.

جمله «و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» اشاره به این است که آنها هیچ نوع نگرانی نخواهند داشت، زیرا خوف، همانگونه که در سابق هم اشاره شد نسبت به امور آینده است، و حزن و اندوه، نسبت به امور گذشته، بنابراین با توجه به اینکه پاداش انفاق کنندگان در پیشگاه خدا محفوظ است، نه از آینده خود در رستاخیز ترسی دارند و نه از آنچه در راه خدا بخشیده‌اند، اندوهی به

دل راه می دهند.

بعضی نیز گفته اند آنها ترسی از فقر و کینه و بخل و مغبون شدن ندارند و نه غمی از آنچه انفاق کرده اند.

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: من اسدی الی مؤمن معروفاً ثم آذاه بالکلام او من علیه فقد ابطال صدقته: «کسی که به فرد با ایمانی نیکی عطا کند، سپس او را با سخنی آزار دهد، یا منتی بر او بگذارد، به یقین انفاق خود را باطل کرده است».

ولی آنها که چنین نکرده اند، بیمی از باطل شدن انفاقها به خود راه نمیدهند، اسلام در این زمینه به قدری دقیق است که بعضی از علماء پیشین گفته اند: «هر گاه انفاقی به کسی کنی و بدانی که سلام کردن تو به او، بر او سخت و گران است و یادآور خاطره بخشش، بر او سلام نکن».

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۲۰

آیه ۲۶۳

آیه و ترجمه

قول معروف و مغفرة خير من صدقة يتبعها اذى و الله غنى حلیم ۲۶۳

ترجمه :

۲۶۳ - گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از خشونت‌های آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است، و خداوند، بی نیاز و بردبار است.

تفسیر :

برخورد خوب بهتر از انفاق با منت است

این آیه در حقیقت تکمیلی است نسبت به آیه قبل، در زمینه ترک منت و آزار به هنگام انفاق، می فرماید: «گفتار پسندیده (در برابر ارباب حاجت) و عفو و گذشت (از خشونت‌های آنان) از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد بهتر است» (قول معروف و مغفرة خير من صدقة يتبعها اذى).

این را نیز بدانید که آنچه در راه خدا انفاق می کنید در واقع برای نجات خویشستن ذخیره مینمایید، «و خداوند (از آن) بی نیاز و (در برابر خشونت و ناسپاسی شما) بردبار است» (و الله غنى حلیم).

نکته‌ها

۱ - آیه فوق منطق اسلام را در مورد ارزشهای اجتماعی اشخاص، و حیثیت

مردم روشن می‌سازد و عمل آنهایی را که در حفظ این سرمایه‌های انسانی میکوشند و ارباب حاجت را با گفتار نیکو و احیاناً راهنمائیهای لازم بهره‌مند کرده، و هرگز اسرار آنها را فاش نمیسازند، از بخشش افراد خود خواه و کوتهنظری که در برابر کمک مختصری هزارگونه زخم زبان به افراد آبرومند میزنند و شخصیت آنها را در هم میشکنند، برتر و بالاتر می‌شمرد. در حقیقت اینگونه اشخاص همانطور که اشاره کردیم بیش از اندازه که نفع میرسانند ضرر میزنند و اگر سرمایه‌ها

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۲۱

می‌دهند سرمایه‌هایی را نیز بر باد می‌دهند.

از آنچه در بالا گفتیم روشن می‌شود که «قول معروف» معنی وسیعی دارد و هر گونه سخن نیک، دلداری و دلجوئی و راهنمائی را شامل می‌شود. بعضی نیز گفته‌اند که منظور از آن امر به معروف است ولی این احتمال مناسب به نظر نمیرسد.

«مغفرة» به معنی عفو و گذشت در برابر خشونت ارباب حاجت است. آنها که بر اثر هجوم گرفتاریها پیمانۀ صبرشان لبریز شده و گاهی بدون هیچگونه تمایل درونی سخنان خشونت آمیزی بر زبان جاری می‌سازند. این افراد در واقع از اجتماع ظالمی که حق آنها را نداده به این وسیله میخواهند انتقام بگیرند و کمترین جبرانی که اجتماع و افراد متمکن در برابر محرومیت آنان می‌توانند بکنند همین است که سخنان آنها را که جرقه‌های آتش درون آنان است با تحمل بشنوند و با ملایمت خاموش سازند. بدیهی است که تحمل خشونت آنها و گذشت از برخوردهای زننده آنان از عقده‌هایشان میکاهد از این رو اهمیت این دستور اسلامی روشنتر می‌گردد.

بعضی کلمه «مغفرة» را در اینجا به معنی ریشه اصلی آن که پوشانیدن و مستور ساختن است گرفته اند و این کلمه را اشاره به پرده‌پوشی بر اسرار حاجتمندان آبرومند دانسته‌اند.

ولی این تفسیر با آنچه در بالا گفتیم منافاتی ندارد، زیرا اگر مغفرت به معنی وسیع تفسیر شود هم «عفو و گذشت» را در بر خواهد داشت هم «پوشانیدن» و مستور داشتن اسرار نیازمندان را.

در تفسیر «مجمع البیان» از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: «اذا سئل السائل فلا تقطعوا علیه مسالته حتی

بوقار و لین اما بذل یسیر او رد جمیل فانه قد یاتیکم من لیس بانس و لا جان
ینظرون کیف صنیعکم فیماخولکم الله تعالی.»

در این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گوشه‌های از آداب انفاق را روشن ساخته می‌فرماید: هنگامی که حاجتمندی از شما چیزی بخواهد گفتار او را قطع نکنید تا تمام مقصود خویش را شرح دهد، سپس با وقار و ادب و ملایمت به او پاسخ بگویید، یا چیزی که در قدرت دارید در اختیارش بگذارید و یا به طرز شایسته‌های او را بازگردانید زیرا ممکن است سؤال کننده فرشته‌های باشد که مامور آزمایش شما است تا ببیند در برابر نعمتهائی که خداوند به شما ارزانی داشته چگونه عمل می‌کنید.

۲ - جمله‌های کوتاهی که در آخر آیات معمولاً ذکر شده است و صفاتی از صفات خداوند را بیان می‌کند با مضمون همان آیات حتماً ارتباط دارد و با توجه به این نکته منظور را از جمله و الله غنی حلیم: خدا بی‌نیاز و بردبار است گویا این است که: چون بشر طبعاً طغیانگر است بارسیدن به مقام و ثروت خود را بی‌نیاز گمان می‌کند و این حالت گاهی موجب پر خاشگری و بد زبانی او نسبت به محرومان و مستمندان می‌شود لذا می‌فرماید: غنی بالذات خدا است در حقیقت او است که از همه چیز بی‌نیاز است و بی‌نیازی بشر در واقع سرابی بیش نیست و نباید موجب غرور و طغیانگری و بی‌اعتنائی او نسبت به فقراء گردد، به علاوه خداوند در برابر ناسپاسی مردم بردبار است افراد با ایمان نیز باید چنین باشند.

و نیز ممکن است جمله مزبور اشاره به این باشد که خداوند از انفاقهای شما بی‌نیاز است و آنچه انجام می‌دهید به سود خود شما است، بنابراین منتی بر کسی ندارید به علاوه او در برابر خشونت‌های شما بردبار است و در عقوبت عجله نمیکند تا بیدار شوید و خود را اصلاح کنید.

و لا يؤمن بالله و اليوم الآخر فمثله كمثل صفوان عليه تراب فاصابه وابل فتركه
صلدا لا يقدرّون على شيء مما كسبوا و الله لا يهدي القوم الكافرين ۲۶۴ و مثل
الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبिता من انفسهم كمثل جنة بربوة
اصابها وابل فانت اكلها ضعفين فان لم يصبها وابل فطل و الله بما تعملون
بصير ۲۶۵

ترجمه :

۲۶۴ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل
نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند، و
به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد، (کار او) همچون قطعه سنگی است که
بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد، (وبذرهایی در آن افشاندۀ شود)، و رگبار
باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از
خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند،
و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

۲۶۵ - و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات
انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی
باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی
بهره گیرد)، و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت
است). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۲۴

تفسیر :

دو مثال جالب در مورد انگیزه‌های انفاق

در دو آیه بالا، نخست اشاره به این حقیقت شده که افراد با ایمان نباید انفاقهای
خود را به خاطر منت و آزار، باطل و بی اثر سازند.

سپس دو مثال جالب برای انفاقهای آمیخته با منت و آزار و ریاکاری
و خودنمائی و همچنین انفاقهایی که از ریشه اخلاص و عواطف دینی و انسانی
سرچشمه گرفته بیان می‌کند.

می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار
باطل نسازید» (یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی).
سپس این عمل را تشبیه به انفاقهایی که توأم با ریاکاری و خودنمائی است
می‌کند، می‌فرماید: «این همانند کسی است که مال خود را برای نشان دادن

به مردم انفاق می کند و ایمان به خدا و روز رستاخیز ندارد» (کالذی ینفق ماله رثاء الناس و لا یؤمن بالله و الیوم الآخر).

و بعد می افزاید: (کار او) همچون قطعه سنگ صافی است که بر آن (قشرنازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشانده شود) و باران درشت به آن برسد، (و خاک و بذرها را بشوید) و آن را صاف رها سازد آنها از کاری که انجام داده اند چیزی به دست نمی آورند» (فمثله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه و ابل فترکه صلدا لا یقدرون علی شیء مما کسبوا).

چه تعبیر لطیف و رسا و گویائی؟! قطعه سنگ محکمی را در نظر بگیرید که قشر رقیقی از خاک روی آن را پوشانده باشد و بذرهایی مستعدی نیز در آن خاک

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۲۵

افشانده شود و در معرض هوای آزاد و تابش آفتاب قرار گیرد، سپس باران دانه درشت پر برکتی بر آن ببارد، با اینکه تمام وسایل نمو و رشد در اینجا فراهم است، ولی به خاطر یک کمبود، همه چیز از بین می رود و این باران کاری جز این نمی کند که آن قشر باریک را همراه بذرها می شوید و پراکنده می سازد و سنگ سخت غیر قابل نفوذ را که هیچ گیاهی بر آن نمی روید با قیافه خشونت بارش آشکار می سازد، چرا که بذرها در محل نامناسبی افشانده شده بود، ظاهری آراسته و درونی خشن و غیر قابل نفوذ داشت و تنها قشر نازکی از خاک روی آن را گرفته بود، در حالی که پرورش گیاه و درخت نیاز به خاک عمیقی دارد که برای پذیرش ریشه ها و ذخیره آب و تغذیه گیاه آماده باشد. این گونه است اعمال ریاکارانه و انفاقهای آمیخته با منت و آزار که از دل های سخت و قساوت مند سرچشمه می گیرد و صاحبانش هیچ بهرهای از آن نمی برند و تمام زحماتشان بر باد می رود.

و در پایان آیه می فرماید: «و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند» (و الله لا یهدی القوم الکافرین).

اشاره به اینکه خداوند توفیق هدایت را از آنها می گیرد چرا که با پای خود، راه کفر و ریا و منت و آزار را پویدند، و چنین کسانی شایسته هدایت نیستند، و به این ترتیب انفاقهای ریائی و آمیخته با منت و آزار، همه در یک ردیف قرار گرفته اند.

در آیه بعد مثال زیبای دیگری برای نقطه مقابل این گروه بیان می کند، آنها

کسانی هستند که در راه خدا روی ایمان و اخلاص، انفاق می کنند، می فرماید: و مثل کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و استوار کردن (ملکات عالی انسانی) در روح خود انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت و پی در پی به آن برسد (و به خاطر بلند بودن مکان، از هوای آزاد و

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۲۶

نور آفتاب به حد کافی بهره گیرد و آن چنان رشد و نمو کند که) میوه خود را دو چندان دهد» (و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبیتا من انفسهم کمثل حنة بربوة اصابها وابل فانت اکلهاضعفین). سپس می افزاید: «و اگر باران درشتی بر آن نیارد لا اقل بارانهای ریز و شبنم بر آن می بارد» و باز هم میوه و ثمر می دهد و شاداب و با طراوت است (فان لم یصبها وابل فطل).

و در پایان می فرماید: «خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است» (و الله بما تعملون بصیر).

او می داند آیا انفاق انگیزه الهی دارد یا ریاکارانه است، آمیخته با منت و آزار است یا محبت و احترام.

نکته ها

۱ - از جمله «لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی»، (انفاقهای خود را با منت و آزار باطل نکنید) استفاده می شود که پاره های از اعمال ممکن است نتایج اعمال نیک را از بین ببرد و این همان مساله احباط است که شرح آن در ذیل آیه ۲۱۷ همین سوره گذشت.

۲ - تشبیه عمل ریاکارانه به قطعه سنگی که قشر نازکی از خاک روی آن را پوشانیده است بسیار گویا است زیرا افراد ریاکار باطن خشن و بی ثمر خود را با چهره های از خیر خواهی و نیکوکاری می پوشانند و اعمالی که هیچگونه ریشه ثابتی در وجود آنها ندارد انجام می دهند اما حوادث زندگی به زودی پرده را کنار می زند و باطن آنها را آشکار می سازد.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۲۷

۳ - جمله «ابتغاء مرضات الله و تثبیتا من انفسهم» انگیزه های انفاق صحیح و الهی را بیان می کند و آن دو چیز است: «طلب خشنودی خدا و تقویت روح

ایمان و ایجاد آرامش در دل و جان»

این جمله می‌گوید: انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها به خاطر خشنودی خدا و پرورش فضائل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتیهائی که بر اثر احساس مسؤولیت در برابر محرومان در وجدان آنها پیدا می‌شود اقدام به انفاق می‌کنند (بنابراین «من» در آیه به معنی «فی» خواهد بود).

۴ - جمله «و الله بما تعملون بصیر» که در آخر آیه دوم ذکر شده، هشدار می‌دهد که همه کسانی که می‌خواهند عمل نیکی انجام دهند که مراقب باشند کوچک‌ترین آلودگی از نظر نیت یا طرز کار پیدا نکنند زیرا خداوند کاملاً مراقب اعمال آنها است.

